

خاصه فقه و حدیث امام همام و در مجاهدات و ریاضات و قوت عبادت از کبرای ولیای عالی مقام
 و از سن صبا تا صین رحلت که از شخصیت تجاوز عمر یافت و تحصیل معارف دینی آبله پادشاه
 علوم و حق طلبی با عقلا و بنایت کریم النفس و دارسته و بسی قانع و بیساخته بود شرح کیفیت
 سلوک و ریاضات آن مجاهد اقامی عظیم باید و تفصیل آن در حوصله تحریر نمی آید و اگر در کلیات
 و آنچه در نوشته میشود مسامحه نرود نیز دفتر ابان مشحون گردد با جمله بعد از آنکه به سن چهار پنج سالگی
 رسید جد و الای او سید عبدالمد تبریت او بهت گماشت و او را بر حوم سید زین الدین
 پسر و خطی و سواد بی بهره سازده شروع بعزیمت نمود بعد از استفاده مبادی از سید میر و
 آن و الامقام خود بتعلیم او پرداخت بسهل فاصله آن بزرگوار رحلت نمود چون باستعداد و آ
 و بقوت مطالعه و مذاکره و استفاده از بعضی اعمام کرام براتب علیا ارتقا یافت از ابتدا
 نشو و نما خلوت بجزایش غالب بود از مرتبیت مردم حتی از مشاکلت و معاشرت اعمام
 و سلسله عالی شان خود نیز دامن کشیده گوشه نشینی اختیار نمود و در بر روی مردم بسته بعبادت
 و حق طلبی بسرمیبرد و تنها بشرکت فرزند اکبر او سید محمد در خدمتش استفاده نموده ام دین
 ظرف ایام هرگز ندیدم که از امور سنونه از صوم و صلوة و دعوات ما ثوره چیزی از وفوت
 شود و یا فعلی که در شرع مذموم باشد از وسوسه زنجی در افعال مباحه نیز احتیاط بود
 یکمتر بزیارت ائمه ائمه عراق رفتی و چندی توقف نمودی و از علماء و مجتهدین آن اماکن تکمیل
 کردی از آقا محمد باقر بهبانی و سید محمد مهدی طباطبائی برو جردی که از اعلام افاضل سمو
 المکان و سید آمد مجتهدین عالی شان بود اجازه عامه تحصیل نموده روزگاری بغزت احترام
 آگذاشید و سفر مشهد مقدس ضوی از استاد الحکام میرزا محمد مهدی خراسانی بقدر فرصت
 استفاده حکمیات نمود اما آن بزرگوار را بتعلیم و تعلم علمی و ریاضیات رغبتی نبود اخباری مذموب
 و از فقهای ظاهری و در فتاوی بغایت محتاط بود و از قبول هدایا و احسان از مردم حتی از کرام
 خلق از وستان احترازی تمام داشت و بقمه نان جوین که از بعضی اراضی موروثی باو می رسید

میساخت و حق با او بود چه بر فرض محال هرگاه نفس بلند است تن بیستی درود بتلاش
 قدر ضرورت گردن نهد طریق تحصیل از وجه ستوده درین جزو زمان نایاب و قبول است
 و زبونی مقدور کرام نه و اگر از دنیا طلبی منظور بود و ایثار است بدگر آن سه همه سخاوتمندانه
 از دنیا گذاشتن آن چیز نیست که در دست تمام خلق است با نامصنعات بسیار
 در هر فن از آثار قلم فیض شیم او بر صفحه عالم سیادگار است که متذکر آنها نیستیم و اکثری بعد بر آمدن
 من از آن دیار تالیف شده اند تا من بودم شرح مزجی بر الفیه ابن مالک نوشته بود
 و چند رساله در فقه که هر یک ابعث خود بی نظیر خوب نوشته بود و دو سال قبل از وفاتش از وفور
 اشفاق استادانه مکتوبی در بنگاله از آن علامه رسید از آن معلوم شد که از شوشتر بمشهد
 مقدس عزوی انتقال و در آن مکان بابرکت و اعزاز مسکن گزیده با احترام و اجلال بافا
 و نشر علوم در ضاجونی خالق متعال استتعال دارد یک سال قبل ازین فوتش سموع شد که در آن
 روضه غلد مثال مرفون گردید طوبی له حسن صاب اولاد اجماد سید فاضل عارف سید محمد سید علی حسین سید حسن
 مؤلف گوید که چون سال اتمام کتاب تحفة العالم کبیر از دو صد و شانزده هجری است
 بنا بر آن تقریباً وفات مولانا در حد و دوشه ختمه عشر بعد الالف و المائتین بوده باشد
 و العلم عند الله مولانا السید عبد الرزاق بن السید بهاء الدین بن السید
 عبد المدین السید نور الدین ابن السید نعمت الله الخیرانی الشوشتری
 فاضل خیر و زاہدی سبب نظیر بود قبل از استکمال کمالات جوانی در گذشت
 اگر فرصت یافته بود یکی از فضلاء عالی مقدار و در سلک پارسایان نیکو اطوار بشمار آمد
 از و خلف شد دو پسر سید محمد سمیع سید ایوب العلامة تفضل حسین خان الکشمیری
 معروف به خان علامه است و تاریخ معدن السعادة مسطور است که منشأ و مولدش
 دار السلطنت کشمیر لاهور و نشوونما در شاہجهان آباد و ذکر فضائلش در دیار شرقی مشهور
 خاص و عام در علم معقول و منقول بهره وافی داشته و در جمیع علوم متداوله جامع گردیده

همراهِ اثنالذات معلّم خوانند میثاب و اگر عقل حاوی عشره دانندی زبید و سید عبد اللطیف
 کرازدوستان و معاشران خان موصوف بود در تحفة العالم نوشته که وی از اعظم
 فضلمای نامدار و سه آدکمای روزگار و در جمیع فنون علمی فاضله بی نظیر و علامه
 شمرید بود خاصه در حکمایا و الهیات افلاطون عصر و ارسطوی و هر می نمود چند
 در شاهجهان آباد از خدمت علمای عصر و در بنارس از انقاس فیلسوف اعظم
 و امام اکرم شیخ اجل شیخ محمد علی حزین استفاده علوم نموده بدرجه علیا و مرتبه بلند رسیده
 در حسن تقریر و بیان افادات رشک چهره بیل هزار دوستان در بهاران دحسرت افزا
 قعده کبک دربی در کوهساران شگفته طبع او چون خنده سحرگاہی نور آگین و جامع علوم
 اولین و آخرین و در تشیع غالی و نور ولای ائمه اطهار صلوات الله علیهم از سیاحتی و لامع
 وحدت ذہن و سرعت انتقالش بشابہ سیف قاطع و مکارم اخلاق پسندیده ظاهر و باطن با
 جامع و در تمامی این کشور نور فضیلت او ساحل بود و ساجت روانی مردمان بی انبیا
 و زود و انایان فرنگ و مردمان با فرهنگ چون روح روان با کرام و اعزاز
 مرحلہ می پیود و حق این است که مراتب فضائل و مناقب او را مقامی عظیم است
 عمری و یک نیستان قلم باید تا شمه از اوصاف او را نگار و زبان عربی و فارسی
 و انگریزی و رومی که زبان علمی فرق فرنگ و هر کس از فرنگیان را تالیف کتابے
 منظور باشد آن زبان تصنیف می کند و آن را لاتیفی نیز گویند مانند زبان عربی
 نسبت بعلمای عجم زبان رومی را نیز در فرنگ همان منزلت است و یونانی را اینکو گفنی
 و خوندمی و نوشتنی و باین سبب بسیاری از کتب حکمی فرنگ ابعربی ترجمه نموده است
 و خود نیز تالیفات دارد از انجمله از آثار فضل دوست شمری بر مخروطات ایلیونیوس
 و دو رساله مدون در جبر و مقابله کی ششکل بر عمل جبری و یکی متضمن حل جبری و هندسه
 و شمری بر مخروطات دیونیال و مخروطات سمسن و در طی مباحثات و مطالقه نقد

حواشی و تعلیقات بر کتب حدیث و فقه فریقین و حکایات اسلامی و سایر علوم محکم است
 که احصای آنها عیسر و کتر فاضلی را ایسر شده است سزا است که بنده و بنده یان با شطهار
 او دم از فضل و دانش زنند و بوجو و او افتخار کنند و دیگر هر قدر فلک بگرد و چون او دیگری
 بعرضه ظهور نیاورد و دشمنه از طور معاش و طرز سلوک او این است که یکپاس از روز برآمده
 از خواب برخاستی جمعی از تلامذه که ریاضی خوان بودند می آمدند و استفاده می نمودند
 تا نزدیک بظهر ایشان که رفته بودند بید و بازو پد انگلیسیه و اجرای کارهای که با و تعلق داشت
 می پرداخت و مردم رفت و آمدی نمودند و گاه گاهی خود نیز بیرون میرفت تا عصر
 که جمعی دیگر از تلامذه که بقیه امامیه مشغول بودند استفاده میکردند و نماز ظهر را ادا می نمودند
 انگاه قدری طعام می خورد و بعد از برداشتن سفره چند کس که فقه حنفی میخوانند حاضر میشدند
 و استفاده میکردند شام که شده بود نماز عشاءین ادا و کبھی یک و تنها که بجز کتب چیزی دیگر
 نزدیک او نبود بطلاله و خوض در مسائل دقیقه نظری مشغول میشد تا طلوع صبح صیاق
 نماز صبح را کردی و بخواه بگاه رفتی و سه کس خواننده خوش آواز تو که داشت ایشان
 با سه تار و چهار تار برامشکری و زمره مشغول می شدند تا بخواه بوقت یکپاس خوابیدی
 و بیدار شدی و بنیر از آن کیمتبه طعام دیگر چیزی بدین نمیکذاشت و شبها مژه برهم نمی نهاد
 اطبا و را ازین همه خوض در مسائل و کثرت مطالعه منع و زجر می نمودند و فائده نداشت
 و جوانها تامل اختیار و یک فرزند تجمل حسین خان از وجود آمده آن ضعیفه در گذشت و دیگر
 روی زنی را ندید تا وفات نمود و بجز سماع امری دیگر که منافی شریع باشد از او ندیده ام الحق
 تا به فیض صحبت او بودم منافرات او ضاع این کشور چندین معلوم نمی شدند اگر چه
 در خدمتش کتابی بخصوص نخوانده ام لکن نمیرد استاد مشفق و در هر طبعه آنقدر مطالب
 علمی و مسائل غامضه حکمی و نقلی از او استفاده کرده ام که حق ایادی و شکر نعم او بزبان
 طلاقت بیان و قلم کسوراللسان ادا نگردد و چون با مرد کالت از جانب مثل آصف الدوله

رئیس بے مانندی مامور بود و اسباب تحمل و دور باش با علی درجه نیکوئی داشت اما بطوریکه
 که شیوه دنیا داران خاصه اعظمند و شان ست بر خود نهستی و با او فی سلوک
 برابری نمودی و بعلم و فضل نیز افتخار نکردی و با پست رتبه ترین طلبه بفرستی و شکفته
 طبعی بودی چند سال قبل ازین آصف الدوله او را بکلمتو طلب فرمود و نیابت خود را
 بشکلیت و اصرار باو داد با اینکه مدام کاره و آن کار بود پنج ستود و بتقدیم رسانید مگر
 می فرمود که از نیابت آنقدر بکنک آمد مدام که میخواهم صبحرا بگذارم مرا با نیابت
 چه دخل و در میان چه مناسبت کسی که تمام عمر را بصحبت علما و فضلا و کتب دانشمندان
 بمطالعه و توش در علوم بسر برده باشد با این مردم عوام که درین دولت را جمعیت
 دارند بیگانه تواند گذارند و دران زمان نیز حجاب در میان و علامه نگاه نمی داشت
 هر کس نخواست باو میرسد و باین سبب در بارگاه او از آمدن باب حواج آمد و شد
 و شوار بود و ناچار به اجرات آن کار صبری نمود تا آنکه آصف الدوله جام تلخ مرگ
 از دست ساقی اجل نوشید و زمان دولت او سپری گردید و نوبت ریاست عاریت
 بپادشاه نواب سعادت علی خان رسید از ان کار استغنا و هر قدر نواب مذکور
 بواج و ابرام نمود مقبول نیفتاد باز به کلکه برگشته در خانه خود گوشه منزل خویش سبکبند
 نشست و در بر روی مردم بیگانه و ارباب دنیا که جو می آوردند به بیست و بمطالعه کتب
 و افاد می گذرانید تا در ایت ای سنه اربعه عشر بعد الالف و المائتین یاری فالج و
 مالینجولیا عارض او گردید اطباء بی بر فو معالجه می نمودند و گلی متفق اللفظ بودند که از کثرت
 مطالعه و دقت در مسائل حکمی این مرض مبتلا شده و چون در کلکه از معالجه فائده مشرب
 نگشت بقصد تبدیل آب بهوار بگرای سمت لکمنو گردید از نبارس گذشته و نارسید
 به لکمنو و در هجدهم شوال سنه خمسہ عشر بعد الالف و المائتین بلا اعلی انتقال نمود ^{الله} _{عز وجل}
 مع اولیائه الاطهار و صاحب مفتاح التواریخ نوشته که از جمله مصنفات آن گانه زمان

لی در بهیت حکمای فرنگ و دو نسخه دیگر و صناعت جبر و مقابله و در عهد نواب سعادت علیخان
 بگلکته رفته هنگام سعادت مابین گلکته و مرشد آباد بتاریخ پانزدهم شهر شوال سال ۱۱۸۰ هجری
 درگذشت شاه محمد اجل اله آبادی و تاریخ وفاتش این قصیده نظم کرده بخند خدای تعالی
 در بنجائست می شود

در هزار و دویست و دوازدهم	شده چون فضل قادر قدوس
خان عالی مقام و الا جاه	اشرف و انفس فدوات نفوس
آن تفضل حسین خان یعنی	زده بر کشور امارت کوس
نائب اکسنت زمان گردید	رفت نامش زبند تا حد روس
آنچنان بند و بست کرده بملک	که بملکش نماند یک سال کوس
بعد چندی بملک مشرق رفت	خورید و نترس ای اوزد بوس
گشت از شرق چون بجانب غرب	های شد مطلع جهان معکوس
آفتاب شرق غروب نمود	تیره تر گشت این جهان عبوس
دو صد و یک هزار و پانزدهم	مه شوال و ساعت منجوس
بود تاریخ ماه پانزدهم	طالع روزگار شد منکوس
که بناگاه آن عدیم المثل	بسوی ملک آخرت زد کوس
یک جهان رفت به استقبال	عالمی در امید شد مایوس
مثل او گردش زمانه ندید	صاحب تنگ و صاحب ناموس
سربشا کردیش فرو بردند	یکه تا زاو ستاد بطلیموس
در تانت دگر فطانت و فتم	از فلاطون و دیقوریدوس
برزبان بود یاد او بروم	چه صراح و صحاح و چه قاموس
رای مشائیان و اشراقین	پیش رایش چو پرای نامحسوس

داشت او در خزانه علم چنان بوسه زانانه خود بود صاحب دین و صاحب اسلام نیک و بد را نیکدار و حیف آنکه بر قاسم و سمور نشست گرچه بر سندان تاریخش	که بدیده بخواب کیکاؤس علم او پیش علم او چو دروس بیشک و ریب چون محقق طلوع آه از گردش سپهر موس دارد از خاک گوی بی لبوس بار حیف و نعم گویا فسوس
---	---

صاحب تحفة العالم آوده کهین برادر خان موصوف سلام آمد خان نیز دانشمند بیدیل و
فاضل صمیم السیم است در حجر تربیت آن بزرگوار نشو و نمایافته و از دستفاده علوم نموده است
الشیخ ابو علی بن محمد بن اسمعیل بن عبد الجبار بن سعد الدین الکاتری
از متبحرین تلامذه آقا باقر بهبانی است و بخدمت آقا سید علی طباطبائی که ذکرش خواهد آمد نشین
نمذ داشت کمال تجار و در اصول فقه خصوصاً در علم رجال از کتاب منتهی المقال او
ظاهر و باهر است چون شیخ مزبور بکنیت خود ابو علی معروف بود لهذا در او آخر کتاب
مزبور در باب کنیت با ترجمه احوال خود قرار داده و گفته که نسب من بنا بر آنچه پدرم ذکر
می نمود بسوی شیخ رئیس ابو علی سینا که شیخ فلاسفه اسلامین است و استاد حکمای اسپین بود
می رسد و من در ماه ذیحجه سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و نه هجری در کربلا متولد شدم و کمتر از
دوازده سال بودم که پدرم وفات یافت مدتی بخدمت استادین خود آقا باقر بهبانی
و آقا سید علی طباطبائی تحصیل علم پرداختم تا آنکه اکثر اوقات تملل و تحصیل واقع میشد بسبب
انواع بخلت و تعطیل و فرمای مواصل و منقض نمودن و فرود آمدن در آن پس
وقتی در حجاز بودم و سالی در زین و گامی در راه و زبانی و در وطن آری لکثی عاقه و للعلم
افات از مصنفات اوست رساله در رد اخبار بن موسوم بقدا اللالی البیهی فی الرد علی
الطائفه المنفیة دیگر ترجمه رساله مناسک الحج که از ابیات آقا باقر بهبانی طاب ثراه است

عبارت فارسی و ترجمه رساله دیگر که در مناسک حج است از مصنفات آقا محمد علی خلیف آقا
 بهمانی و رساله فارسی و طهارت و صلوة و صوم که آنرا از شرح مختصر نافع معروف
 به شرح کبیر انتخاب نموده و موسوم بزهر الریاض ساخته زیرا که شرح مزبور همی بر ریاض السائل
 دیگر رساله در ذکر واجبات حج و محرمات و مکروهات آنست که آن هم از شرح
 مزبور اختصار نموده و دیگر کتابی است که در آن رد مصنف نواقض الزواجر نموده
 فرزند ارجمندش شیخ علی که او نیز از افاضل عصر بود بر عاشره کتاب منتهی المقال بمقام ترجمه
 پدر خود شیخ موصوف عبارت نویسه که محصلش این است که جناب شیخ وقت معاودت
 از سفر حج بمانه خود نارسیده و در نجف اشرف در سنه ^{ست} عشر بعد المائتین و الالف
 بدر البقا کوچ فرمود قدس الله روحه السيد عبد المادی بن السيد عبد الله
 بن السيد نور الدین بن السيد نعمه الهدی الخیر اترمی الشوشتری در تحفة العالم
 مسطور است المتأدب باداب المبادی السيد عبد الفادی بن سید عبد الله
 بعلوم منقول و منقول فضا آیت و غیر خواهی عباد و انجام مطالب کافه نام سیدی عالیجناب
 و در اکثری از قنون علمی حلال غوامض حقائق خاصه در فقه و حدیث که باستحقاق و استقلال
 فائق است تا حال که عمر او بهشتاد ترقی نموده و می از نشر علوم دینیته نیاسوده و بجهت آنکه
 تأمین تحریر در حیات مسند آرای بزم افاضت و روزگاری بغزت و اعتشام دارو اللهم
 احفظه و احرسه اولاد اجداد سید نجم الدین سید نعمه الهدی سید باقر مولانا السید کاظم
 بن السيد محمد بن السيد نور الدین بن السيد نعمه الهدی الخیر اترمی الشوشتری
 در تحفة العالم مسطور است السيد الزاهد العالم السید کاظم وی از افاضل زمان و سلاله اشخاصان
 بفضائل صوری و منوی موصوف و بعلم و تقوی معروف از سن صبا تا در شوشتر بودم
 در اکثری از مباحثات با من و مساد و یار و نو از بود در سپهر فضائل و مناقب مرصبات
 و در قوت ایمان و ریاضات ثانی سلطان آباد است سالهای دراز که با او معاشر بودم

به آنست که در شرح کرده باشد از و ندیده ام با وجود جهانی دنیا و مستلزمات آن در نظر ابره بقدر
 بهادری در مدارج درویشی و قناعت کیشی بزرگه علیا است در شوشتر طی مقدمات نموده
 روانه ارض اقدس که بلای سعه و در آن بلده غله مثال از فضلای نامدار و علمای عظاماً
 اصول فقده و حدیث را استفاده نموده به مراتب بلند رسید پس از آنجا عازم خراسان و
 تأمین آنجا که زیاده از پانزده شانزده سال است در مشهد رضوی از خدمت فیلسوف
 اعظم زامدی که از نهایت اشتهاری نیاز از اظهاریت با استفاده حکمیات و الهیات
 مشغول و وصیت فضائلش در آن نواح بلند او ازده است **السید العلام میرزا**
محمد مهدی بن هدایت ابتدا الموسوی الاصفهانی المشهدی الملقب
بالتشبهید الرابع نسب شریفش با امام موسی کاظم علیه السلام میرسد اصل وطن و مولد آنجناب
 بلده اصفهان است و بمجاورت مشهد رضوی منسوب بانجای اقدس شد و بهمانجا شهادت
 یافت از اعظم علما و مشایخ نبلا و فضلا بود مراتب مفصلیتش کالتشخیص فی وسط النهار بود و یاد
 آنجا است و مستغنی از اظهار و تحصیل علوم از عظمای مشایخ مانند آقا باقر بهبانی و زبده
 المحدثین شیخ مهدی فتوئی طاب ثراهما فرموده از تصانیف شریفه اش شرحی است
 بر کتاب دروس شهید اول علیه الرحمه که بین العلماء مشهور و متداول بین الجمهور است
 می ناموه صوف از جناب سید محمد حسین بن ملا صالح که در اصفهان شیخ الاسلام و دخترزاده
 مولانا آقا محمد مجلسی علیه الرحمه است نیز روایت دارد قصه شهادت آنجناب بنا بر آنچه در تذکره
 العلماء مرقوم است این است که نادر مرزا امیر نادر شاه مشهد مقدس را در تحت حکومت خود
 داشت چون فتح علی شاه قاجار بر خروج نموده مشهد مقدس را محاصره کرد و نادر مرزا در واژه
 قلع را بند ساخت و روزی چند برین گذشت پس اهل مشهد از جهت بند شدن در واژه اندیش
 بسیار رسید لاجرم استغاثه به میرزا موصوف آوردند میرزا پیام بنا و مرزا فرستاد که ای اهل
 محاصره صلح کن و در واژه را بکش که اینهمه بیان رسیده اند نادر مرزا قبول نکرد و آخر کار

جناب سید امیر فرمود که تا پیش از اهل مشهد بدون اجازت نادر مرزا آن دروازه را گشایند چون نادر مرزا بنیضه
 مطلع شد گمان کرد که سیر با اهل محاصره سازش داشته ایشان را بجهت محاصره طلب برشته است فی القوم ششم آمده
 باشمشیر به پیش میرزا رسید گویند که میرزا آنوقت در صحن مشهد مقدس بتلاوت قرآن مجید مصروف بود پس
 نادر مرزا گفت ای سید تو دشمن ما را به محاصره ما و حکومت اینجا طلبیده فرمود که من هرگز چنین نکردم
 نادر مرزا قبول نداشت و بهمان صحن مقدس بچند ضرب شمشیر مجروح ساخت مردمان از محبت آمده آن
 ملعون را دور کردند و بهمان جراحتها که کاری که داشت روز سوم ازین دروغالی به نیم جاودانی حلت
 فرمود بعضی گویند که آن ملعون همان ساعت آنجناب را شهید نمود و خود از قلعه بیرون رفت راه فرار بود
 تا آنکه اهل محاصره او را بدست آوردند و قتل رسانیدند و دفن آنجناب پشت سر قبر نور حضرت امام جواد
 علیه الاف التحیه و التنا واقع است مسموع شد که از اولاد آنجناب میرزا هدایت الله و میرزا جواد و میرزا اود
 و هر سه مجتهد و عالم وقت خود بودند تصانیف ائینه از ایشان بیا و کار اندوز فرزندان میرزا هدایت الله
 موصوف میرزا عسکری و جناب میرزا ششم که اقامت جمعه و جماعت در مشهد مقدس به ذات و الا صفات
 ایشان بود سید ابوتراب بن سید عبد الله بن نور الدین بن العلامة السید نعمته الله
 البحر اترسی الشوشتری در تحفه العالم مسطور است که سید موصوف در علوم مبادی و فقه در ملک خواجه
 و در شوشتر تدیس و امامت یکی از ساجد جزو اختصاص دارد اولاد او سید عبد الله سید زکی السید
 اسمعیل بن مرتضی بن نور الدین بن السید نعمته الله البحر اترسی الشوشتری از افاضل علم
 و علمای ذوی الاحترام بود صاحب تحفه العالم که از جناب سید تلند داشته حالش تفصیل نگاشته
 در اینجا بقدر ضرورت ثبت افتاد السید الجلیل الزاهد النبیل السید اسمعیل بن السید مرتضی قلم از اوصاف
 کمالش بجز دانگسار اعتراف دارد حاوی انواع فضائل و نقاوه اتقیای کامل هر نیز فلک مجد و علا
 و اختر تابان آسمان علم و تقوی در علوم عقلی و نقلی امام همام و از افاضل علمای اعلام است در شوشتر
 فقه و حدیث را از والد بزرگوار خود استفاده نمود و روانه اصفهان و در آن بلده مدت پانزده شاترود
 سال از علمای آن زمان مانند فقهه الحکما را سوة العرفا آقا محمد بیدار باد و سایر شایسته فضا

تکمیل نموده با وج فضايلت صا عدگر وید و بمقامی که باليست رسید پس از آنجا به شوشتر بازگشت و هنوز
 والد بزرگوارش در حیات بود تدریس و ارشاد مشغول گشت در سخن گفتن و حسن تقریر و بلبل هزاره استخوان
 و شکستگی طبعش رشک گلهای بنجران است گوی سبقت از بهکنان و از افاضل با نام و نشان ر بوده
 و بصیقل سعادت و ریاضت زنگ کلفت از آئینه خاطر زود و بعد از چندے که والدش بجلار اعلیٰ بال کشا
 گردید امامت جمعه و جماعت بالتماس جمهورانام باور رسید و روزگارے بهدایت مردم و تدریس و ایصال
 کم گشتگان با دین ضلالت بجاوہ تقیم بکمال عزت و منزلت داشت پس از مدتی مرید در ران چپ
 او دتے بهر سپید و مدت پنج ششماه بزرگ میشند و سر و انمی کرد و نرم نمی شد از شدت وجع آن بزرگوار
 بیقرار و از حرکت عاجز و بر بستر بیماری افتاده بود استادان ما هر هر و اوع و سائر تدابیر معالجه
 می کردند اما فائده پذیر نبود و بالاخره یکی از جراحان نادان بے شخاشاد در ان بیشتر دو انید که یکی از
 رگهای مفصل رسید و آن رگ منقطع گردید بعد از پنج بسیار که چند ماه دیگر بیک پهلو افتاده و چپک
 و ریم از ان جاری بود التیام یافت اما پانزین نمی رسید و بے اعانت چوگان که در زیر بغل گیر و قادر
 بر راه رفتن نبود و دیگر هر چه تدبیر نمودند حتی جراحان فرنگ را که درین پیشه شهره آفاق اند از بصره طلبید
 معالجه کردند سودی نه بخشید و همچنان آن پائے کوتاه و عاقل مانند آن بزرگوار بعد ازین بلیه از وسائل بجز
 بالمره نفع و با فاده علوم هم چندان التفات نکرد و گوشه منزل خویش نمود و انزوار الپندی و باین
 سبب هم آن اشتها را که فرمایه تر آن از منزلت او را بوسیله خود نمائی میسر آمد و مدتش را حاصل نشد
 و باین اکتفا کرده از شوشتر قطع علائق کرده روانه غنبات عرش درجات و در کابلین علیهما السلام و
 سائر روضات بهشت تمثال به معاشرت افاضل و اخیار کام رواست اللهم بارک لعمره و فضله و اولاده
 امجاد او سید عزیز المد سید نعمته المد سید ترضی سید صادق سید مصطفی اشقی السید محسن بن اسماعیل
 ابو الحسن بن السید عبد المد بن نور الدین بن نعمته المد بن امری لشوشتری در تحت
 العالم مسطور است و و المکارم و الحسن السید محسن بن السید ابو الحسن بحکم وراثت ملاذ الاسلام و به مکارم
 اخلاق سیدی عالی مقام و مرجع اکابر عظام و در نظر سلاطین باشوکت چون نور دیده با حق است

قدر فرصت کسب فضائل و تحصیل علوم از سید زین العابدین و والد بزرگوارش نمودہ فطانت و
 کما سے عالی و اردو مجمع اخلاق فاضلہ و متحلی باوصاف شریفہ مجلس آرائے و طلاقت لسان او
 شہور عالم و درار حام پرور سے زبده اولاد آدم در نوشتن مراسلات عربی فصیح عمد و در شفا بخشی
 سائلین و محتاجین مسیح مہدست مکاتباتی کہ از جانب خود و والدش و بعض امرائے آن نواح
 ہوا بیان عرب نوشتہ بلاغت آموز مستعدان آفاق و اسحق در انشاء عربی کلا مشابہ طرقت
 ست منصب جلیل شیخ الاسلامی از سلاطین عصر و از پیشگاہ شہنشاہ مجتہد اخلاق دیندار فتح علی
 شاہ قاجار با و مفوض ست و بآئین ستودہ بتقدیم می رساند در عمد و والدش شوق طوائف
 زمین اورا گریبان گیر شدہ بان سعادت عظمی بہرہ ور گردید باقارب و بنی اعمام خصوص بار ائمہ اہم
 عاطفتی وارد در ابتدا سے جلوس این خدیو بہمال خود بار دومی کیوان پوسی ارتحال و بادشاہ دیباہ
 باعزایہ اجلال او کوشید تا در انجام بود مقرب بزم حضور و مراحم شاہانہ در بارہ او بہ جلوہ گاہ حضور
 می رسید وظیفہ مستحبہ حسب الاستدعای او بہت سادات ذوی الارحام و طلبہ از صدر جاہ و اہل شام
 معین گردید اولاد امجاد او سید ابوالحسن معروف بسید آغالی سید محمد رضا سید محمد حسین سید عبدالکریم
 انتہی نقلات من تحفہ العالم مولانا السید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالمدین نور الدین بن
 السید نعمتہ السداسی اہل شام صاحب تحفہ العالم آورده السید الفاضل الاوسد
 العارف الکامل الموجد السید محمد سلیمان ابن فاندان و یادگار آن افاضل ایشان مظہر انوار باری و
 مظہر لغات کامگاری گوہر شاہوار و ریائے عرفان و از اعلام اصحاب ایتان فضائل بظاہر و باطن
 جامع و نور شہود از سیما سے اولاد مع ست از ایام رضاع آثار شد و بزرگی از ناصیہ او پیدا بود و باین
 سبب والد بزرگوارش خود بتعلیم اورغبست و بعد چہار پنج سالگی شروع بتعلیم نمود و در دو
 سال صاحب خط و سواد و راغب ہدایہ و ایشاد شد کتب بسیار می از نظم و شعر خواند و بر سائل
 صرف و نحو مشغول گردید و در مدت ذہن و سرعت انتقال تا این زمان کہ سے را مثل او ندیدہ اہم خوبت
 را در خود تحصیل علوم چنان مستغرق بود کہ بنیاد مستلذات آن حتی بار تکاب بعض از ستہ ضروریہ بشیر

التفات نمی نمود و بالتماس والدین با قتل مایقنع اکتفا می فرمود و در سن هشت سالگی با اشاره والدین
تجوید قرابت قرآن مشغول و حسن قرائتش مرغوب اسماع گردید و اندک زمانی القدر از علوم مختلف
و فنون تشسته بمطالعه او درآمد که کتر کسی از مخلصین را میسر آمده باشد با جمله العالی جناب بعد
از آنکه از والدینیک اختر و علمای نواح شوشتر فقه و حدیث و باقی علوم عربیت را فرا گرفت
روانه عتبات عرش درجات گردید در آنوقت مرحوم بهر و راغوی سید محمد شفیع در ارض اقدس کر بلا
مجاور بود از ورود او مطلع شده او را بخانه برد و بجهت تربیت و تعلیم او را بخدمت مشایخ و فضلا
مانند آقاسی معظم و میر سید علی طباطبائی مشهور که کوچک که از آن فاضل زمان و بلفقه و حدیث و اصول و
رجال سرآمد اشمال و اقران ست سپرد اسباب ما محتاج از کتب مدونه بسوسه در هر فن و سایر ضروریات
بجهت او سرانجام و تربیت او کوشید او نیز در آن شهر روان پروردگار اشمال از فیض انفاس آن بزرگواران
بمرتبه کمال رسید بفضیلت شهره آفاق گردید البته تالیفات شائسته داشته باشد که ما معلوم نیست
پس عود بشوشتر نموده انجمن آرای محفل افادت گشت بجلالت سلیقه فقهای ظاهر و والدیه سرورش
با میدانیکه کفایت شرط طلبه بان از طلبه نماید با حکام و اعیان که کمال ادب را امری دارند و رفت داد
و صفای طبیعت و صفای طبیعت و وسعت مشرب از نواد روزگار و از عوام و فرمایگان متشکر و بیزارت
و بعضی مسائل شده و حکمی را با مشاهدات و عقاید صوفیه الطباق داده و به مذاق عرفا و ارباب تجرید غیبی
عظیم وارد و در اصلاح و تزکیه نفس آنقدر مبالغه و التفات میدناید که زبان از بیان آن قاصر است
شنیدم که در سفر حجاز بعد از آنکه سعادت زیارت حرمین در مراجعت بکربین که یکی از بنا در سواحل دریای
عمان واقع بود و متر لے بصره و مجمع اکابر علماء عامه است افتاده با فقها و فضلاے آن مناظر آت
سبباً رنجور و بر همه غالب شده است حالیا در شوشتر بواسطه حکمیه جد عالی مقام بنیابت ملاذالاسلام آت
صمات و مرتجع نام با فاده و حق طلبی روزگاری باسایش و انتظام دارد و یک پسر از دبوچه آمده است
مولیستنا حیدر علی بن عزیز السمر بن محمد تقی بن محمد کاظم بن عزیز السمر بن اخوند
ملا محمد تقی المجلسی الاصفهانی النظیری العاصی از تالیفات او که بنظر جامع ادواق سید

الحکماء اعلامیر فیم الدین الثانی فی السحر العالم محمد قاسم القریبانی العالم الصلح المولی محمد شریف
 الرویل شتی عن العالمین الفاضلین العنیدین عن التوفیق بهاء الملة والذین محمد بن حسین بن عبد الصمد
 الحاکم والموعد لله بن الحسین التستری آقا محمد بهبانی سبط استاد اکل در کتاب مرآة الاحول جهان نما آورده عالیجناب
 فضائل ماب علامه فہامہ میرزا حمید علی قلم از اوصاف کمالش معجز و انکسار محترمت حاوی انواع فضائل
 و نقا وہ اتقیامی کامل در علوم عقلی و نقلی امام بہام و از افاضل علمای اعلام بوده است
 و در دار السلطنت اصفہان مدتی مرجع خاص و عام و مجامع کافہ اناام بود و در حفظ انساب
 سلسلہ علیہ خود مہارت تامہ داشتند درین اوقات بسراے جاودانی ارتحال فرمود پنج پسر
 و دو دختر از ایشان مخلص شدہ است اما پسر بایکی عالی جناب میرزا محمد علی کہ از صبیہ جناب
 میرزا ابوطالب عم آن مرحوم است و چہار دیگر میرزا محمد کاظم و میرزا محمد تقی و میرزا عزیز اللہ و میرزا
 محمد صالح ملقب باقا بزرگ است و دو صبیہ از طیلید دیگر کہ دختر عالی جناب غفران ماب آقا محمد یادی
 بن آقا محمد علی بن آقا محمد یادی بن الفاضل العلامة المولے محمد صالح مازندرانی متولد شدہ اند
 مولانا آقا محمد علی بن آقا باقر بہبانی از مشاہیر فقہا و علمای بود در کتاب منتهی
 المقال مسطور است کہ آقا باقر بہبانی را دو پسر متقی و پرنسز کار و ثقہ و عالم و عامل اند لکن پسر
 بزرگ کہ آقا محمد علی است در وقت نظر وجودت فہم و صفائی ذہن بدرجہ غایت و مرتبہ نہایت رسیدہ
 و در سائر علوم از اصول تفسیر و تاریخ و حدیث و فقہ و رجال و حدیث سبک کمال فائز گشتہ و لاادش
 در کربلا سی معلی در سنہ اربع و اربعین بعد ماتہ و الف واقع شد و بخدمت پدر خود در ایام اقامتش
 در بہبہان مشغول تحصیل علم ماند بعد از ان ہمراہ آنجناب بکربلا آمد و سالے چند در انجا مصروف و در
 و تدریس و افادہ و تصنیف ماند پس بسوی کاظمین رفت و مدتی در انجا قیام نمود انحال در دیار عم
 تشریف دار و سید عبداللطیف خان شوشتری در تحفہ العالم بقریب ذکر باشندگان بلدہ کرمانشاہان
 آورده کہ از اعلام مشہور بود فاضل علامہ آقا محمد علی بن آقا محمد باقر بہبانی کہ از افاضل نامداران زمان
 اشتمار بہ نیاز از انظار است محقق عالی شان و عالمی بانام و نشان است امامت جمعیہ و جماعت با او

بود از اصول و فروع مذاهبا را به عامه اطلاق کمال داشت رسائل بسیاری بقلم موهبت قلم
 درو و قدح آن مذہب نگاشته که هر یک فنون بلاغت را جامع و در نظر خصم بداندیش سیفت
 قاطع است و آن شهر با جلال و اکرام و اوقاتے با سائنش و انتظام داشت المدنی خان حاکم آنجا
 در تنظیم و توقیر او با قصی الغایمی کوشید و در اجراء امور و نوای تسلطش کمال بود شرح
 مبسوط بر مفاہیح مولانا حسن وارد در فن عبادات و اخلاق بسطی عظیم داده است و بنایت منقح نوشته
 است عجمی بمبایان آن و جمیع بخونان معالم الاصول و سن لایحضره الفقیه که خدمتش مشغول بودند
 و آن در آن مجالس از مستفیدین بود مبن عافیت بسیار داشت و از سرعت انتقال
 سن و بدینمورد و تامل حاضر نمی شد ماب با فاد و نمی کشود و از رساله تاسید علی مجلسی ظاهر
 میشود که والده آقا محمد علی عمه آقا سید مهدی طباطبائی بود و تاسیخته حسن و ماتین و الفت
 که تاریخ اتمام رساله است بقید حیات بود و الله تعالی افاضه مذکور چهار و ولد مذکور داشت که زیور
 صلاح و سداد و فضل و رشاد متصف بودند آقا محمد بن آقا محمد اسمعیل آقا محمود آقا احمد که در سنه
 بمبار و هندوستان آمده بود از جمله تصانیف آقا محمد علی موصوف رساله ایست در حلیت جمع میان
 دوزن فاطمیہ است و رسائل خمسہ در مناسک حج و کتاب مقام الفضل که در آن مسائل و حقیقہ
 و رسائل شریفہ را جمع کرده و حاشیہ بر کتاب مدارک و شرح مفاہیح که هر دو ناتمام مانده و چند خبر
 در تحقیق احوال رجال اعلی غیر ذلک من الرسائل آقا عبد المسین بن آقا باقر البهبهانی
 الحاکم مری جامع علوم و کمالات صوری و معنوی و شمع صفات ظاہری و باطنی بوده و فضل و
 کمالتش بدرجہ رسیدہ کہ والدینا مدرکش استاد الکمل در حیات خود ارجاع مسائل برای دستخط بوی
 می نمود و مدارک الهام این رتبہ و الامقام می بود و آنجناب بعد وفات پدر و برادر خود مدتی بسیار در حیات
 بود و فاضل امجد آقا احمد بن آقا محمد علی که برادر زاده آنجناب است در کتاب مرآة الاحوال سیفر مایہ
 عالی جناب مقدس و معنی القاب فضائل و کمالات کتاب علامہ الزمان و حیدر دوران مجتہد بظہیر
 و فقیہ روشن ضمیر جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول المبرهن کل شین ذوالنائب

الفاضل آقا عبدالحسین بن آقا محمد باقر بطله العالی عم بزرگوار فقیه فاضلیت تخریر و عالمی بے نظیر سر آمد
 ارسایان و عباد و سخیل اصحاب کرمیت و سدا دست و در اکثرے از علوم خاصه فقه و اصول امام
 همام در مجاہدات و ریاضات و قوت عبادت از کبرے او یار عالی مقام و بغایت کریم لنفس
 و ارسنه و بے قانع و بیاخته است شرح کیفیت سلوک و ریاضات آن مجاہد را مقامی عظیم باید
 و تلمیذین آن در حوصله تخریری آید اگر شمه بطور علمای دنیا دار رفتار با اعظم هر دیار رسم مراسلات
 و مکاتبات با برقراری داشت و متوجه امور فقر و خیرات و مبرات می شد ظاهر آنست که نام آن
 عالی مقام در سنت ما یافت بر اکثر علمای اعلام می شد و لکن بجهت آنرا و کوشه گیری و گریختن
 از معاشرت می نامت مجتهد و چاعت محمدی رسیده است که اغلب ناس بنام آن زبده انام مطلع
 نیستند یا مقدار فضیلت چه رسد لادت با سمات ظاہر در بلذه بهسان اتفاق افتاد و در خدمت
 جد بزرگوار اسلام شرعی را استفادہ نموده و در عشر آن مرحوم مرتب انام و در اخذ فتاوی و احکام
 شد و اجازه بسوط با ایشان دادند و مرحوم را بر جوع و استقامت از خدش حکم فرمودند و از آنکه و اکثر
 بر حمت ایزدی پیوست بندگان و حید از زمان میرزا محمد مهدی شهرستانی و جناب تفتی الا نقاب قایم سیدی طباطبائی
 با سایر علمای مشہور از خدش غمزه نمودند که در مقام آن جناب مکان نماز شغول شوند بعد از احوال بسیار چند روزی
 مشغول شد و خلق بخت تمام حاضر می شدند چون مدت دو ماه تقریباً گذشت بر قوت نمود و فرمود که است
 مقامی است عظیم و محل آن بزرگ مشکل است مولانا السید علی بن محمد علی بن ابی المعالی
 الامام حسین ابی المعالی الکبیر احسنی الحسینی الطباطبائی السحائری نسب اشرفش
 از خدمت پدر بزرگوار بنام طباطبائی که از فرزندان حسن مثنی بود و از جانب مادر فاطمه بنت سید الشہداء علیہ السلام
 سید و الدنا مادرش سید محمد علی معروف باقا سید بود و خواهر آقا باقر بهبانی بعقد خود داشت که
 که مادر جناب ممدوح است و جد آقا سید فاضل نجیر امیر ابو المعالی ملقب به کبیر که داماد ملا صالح مازندرانی
 بود سه سپرد داشت سوم ایشان ابو المعالی صغیر که ملقب به کوچک بود و والد آقا سید بود و یک دختر که در
 جهالہ ملا رفیع جیلانی مشہدی بود با بچه چون مادر آقا باقر طباطبائی شراہ نیز دختر ملا نور الدین بن ملا صالح مازندرانی

بود و ما در ملا نورالدین و نیز ما در ابوالعالی دختر طاهر محمد تقی مجلسی بود و وجه تسمیه صاحب
 ترجمه از جانب ما در بلا محمد تقی مجلسی می رسد و بهین وجه در تصانیف خود تعبیر از وی بلفظ جدا نموده و نیز
 از جمله مدارج قرب و اختصاصش بجناب آقا باقر است که صبیحه آنجناب در عقد تزویج خود داشت
 و از جناب آقا و دیگر علمای کبار اجازه روایت امانت دار و سید عبد اللطیف خان شوشتری
 در تحفه العالم بتقریب ذکر علمای عراق آورده و دیگر فاضل علامه عالی شان میر سید علی مشهور کچوک
 که صیت فضیلتش در صماخ فلک کج بین وساحت غمراهی زمین چیده مستغنی از اظهار است شرحی بسط
 بر مختصر نافع و از بطریق نوشته است که مقدار فضل او از آن ظاهری و بود است بتدریس آن مشغول
 بود گاه گاهی من هم حاضر بودم می شنیدم وقت بسیار فرموده اصل و مانند مسائل را نوشته
 بموقع خود بی نظیر است و از غزلت گزینان و خلوت طلبان است و صاحب منتهی المقال بعد تصدیق
 آنجناب آورده که ولادت شریفش در شهید کاظمین تاریخ دو از دهم ربیع الاول سنه احدی و شین
 و اثنی عشر مائت اتفاق افتاد و در ابتدای حال بخدمت آقا میرزا علی ولد آقا باقر بهمانی اشتغال
 مینمود پس باطلانده اش که در علم برتر و در تحصیل قدیم از آنجناب بهر بسیار بودند شریک در شد
 دوران که زمانه بر همه ایشان بهقت و تفوق یافت و ترقی حاصل کرد و بخدمت حال خود آقا باقر
 طالب کرامت تحصیل علم پروا نداشت بعد مدت قلیله تصنیف و تدریس مشغول شد و این که از یزید نقاش مشهور
 عالیه اوست شرح مختصر نافع سمی بر ریاض المسائل و حیاض الدلائل کتابیست بغایت مبسوط و
 ایراد اخبار و اقوال با شیعیان تمام به نهایت خوبی نموده که از سابقین هم چنین تالیف بظهور نرسیده
 تاریخ تمام آن کتاب لیله اجموست و بهر مضمون سه شین و تسعین بعد المائت و الالف است پس
 از فاصله میان این تاریخ و تاریخ ولادتش ظاهری شود که سن شرفش در وقت فراغ تصنیف شرح
 مذکور قریب سی و یکسال بود حال آنکه در چنین عمر از علما کمتر اتفاق شده که همچو تصانیف کامله و مبسوط
 بظهور آید و دیگر از تصانیف اوست شرح مفاتیح که کتاب الصلوة از آن بقالب تصنیف در آمده مجلد

ضمیمه است دیگر رساله در مسئله تثلیث تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم و رساله در ترتیب نمازهاست
 قضا از طرف اموات و رساله مختصره در بیان اصول نمسه و رساله در ذکر اجماع و استصحاب و رساله
 در تحقیق مسئله حجت مفیوم موافق و رساله در جواب آنکه تفا بضررت واحده و تمیم مطلقا و رساله در مسئله
 اختصاص خطاب شافیه بر حاضران و مجلس خطاب بسیار در تحقیق آنکه منجزات در بعضی معنی چیزی نه
 در معنی موت خود به دیگران همه کند بعد از وفاتش ثبات آن او نسوب می شود با او عمل
 نکرده اش و رساله در تحقیق حکایت شماره انقضای هر گاه نوشته از روز شهادت شود و رساله دیگر در
 اصول حج و ایجاز و رساله بیان آنکه کفار مکلف بضرورت دین می باشند و رساله در مسائل
 برائت ذمه حج هر زوجه بیان آنکه برنده و اجب نیست و که باقی بودن مهر را بر ذمه زن ثابت کند و رساله در مسئله
 حجت شهرت میان زلمه و رساله در مسئله نظر کردن بسوی زن اجنبیه و شنیدن آوازش و دیگر از تفصیلات
 شیرانه است شرح دوم بجز مشرف نافع هر دو شرح مشرف که آنرا از شرح اول اختصار نموده شرحی
 خوب است در احکام عبادت و در آن بسطک احیاء طایف و فرموده بحجت آنکه نفع آن برای عالم و جاهل
 و فقیه و مقلد در حیاتش و او مائش عام باشد دیگر جوامعی منفرقه بر کتاب مدائک و جوامعی مشرفه
 بر کتاب عدلای شیخ یوسف بحرانی طالب شانه و دیگر از برای تمام در شرح مبادی الاصول تالیف
 علامه عالیه الرحمه و غیر اینها نیز جوامعی در مسائل و فوائد و اجوبه مسائل است و فائش در ماه محرم سنه
 اصدی و ثمانین بعد الالف الایتمین واقع شد تاریخ و فائش درین مصرع یافت اندمصر
 بموات علی صامت علامه محمد تقی و بعضی شعرا سی لکن تو تاریخ و فائش چنین گفته اند
 گفت با الف طیبی ز روی جودت طبع علی مقنن دین نبی ز دنیا رفت

در مصرع اول تمهید جمیم و وقع است بنا برین مدت عمرش شصت و نه سال و نه ماه تقریبا بود و عالم
 مقنن القوانین میرزا ابوالقاسم بن الحسن القاسمی ایچا پلاقی اجمیلانی منسوب
 است بسوی چابلاقی بحیم فارسی و با موصوده و فاف در آخر که قریب از تولد قم است ولادت میرزا هانجا
 واقع شد لهذا انتساب او با مقام شاد پدرش از اهل گیلان است عال علم و فضل او زبان زواقا

صاحب قوانین

وادانی ست و از تحریر و تفسیر این عبد معترف بتقصیر استغنی تحصیل علوم نبوت اکابر علماء و فقہا
 علی الخصوص از حضرت استاد الکل آقا باقر بہبانی نموده بدرجہ تصوائے فضل و اجتناب و مرتبہ علیاً
 افتادہ و رشاد و صفا مد کردید تعالیٰ اور در غایت وقت و متانت است شہورہ ترین آن کتاب
 قوانین اصولی فی اصول الفقہ است و کتاب جامع الثقات و راجوہ مسائل از اول طہارت تا آخر
 ابواب فقہیہ سبوط و ضخیم است و از دست حواشی بر قوانین الاصول و کتاب شرح تہذیب الاصول و
 کتاب مناجات الاکرام و کتاب غنائم الایام در فقہ و رسالہ فہی و اصول دین و رسالہ و جواب
 مسائل عبادات و معاملات و کتاب محسن النواصی و رسالہ مرشد العوام فارسی و عبادات از تہذیب و جمعی کثیر از طباطبائی
 عبدلسن زید مرصفاً بنی در اجازہ شیخ احمد سائی در ذکر طرق خود میرزا را بدین الفاظ استود
 الشیخ علیہ السلام علیہ السلام من سبیل التذقیق و التثقیق مبہت
 قرآن بن الاصول و مناہج الفروع کما هو بہ حقیق المرین ابو القاسم الجبار الوری قوی قدس
 اللہ فرسہ نور ہر ہیچہ جناب میرزا بعد وفات جناب آقا سید علی طباطبائی بفاصدہ تہذیب از دنیا طست
 فرمود و این تصنیف کتاب قوانین دین و مسائل و ما بین بعد لاف اتفاق اقتاد و شیخ المشائخ
 الایمان شیخ جعفر بن خضیر النجفی نبوت جناب بحر العلوم تحصیل علوم فرمودہ و گویند کہ در
 خدمت آقا باقر نسبت تلمذ داشت در روضہ بیہ سطور است و ہذا الشیخ افضل اہل
 زمانہ فی الفقہ لوی مثلہ ميسوط الید فی الفروع الفقہیۃ والقوا
 الکیلیۃ قوی فی التفریع غایۃ القوۃ مقبول القول عند
 السلطان والرعیۃ کان من العرب یطیعونہ غایۃ الاطاعۃ
 و یطیعہ السلطان فتح علی شاہ قاجار عفی اللہ عنہ غایۃ الاطاعۃ
 و کذا کل اکابر دولتہ و یاخذ من السلاطین و الاکابر
 من العجم و ارباب الثروۃ و العنی ما لا کثیرا و یعطیہ الفقرا عتبا
 و یجمل الاخذ و یوقیہ از تصانیف جیدہ اوست کتاب کشف الغطا و بحث عبادات کتابت کہ مثل

نظیر خود مدار و مقصود است بر مجرب و قنای و در آن اکثری از مسائل فروعیه و بیج فرموده که در هیچ
 کتابی سابق و لاحق بیان نشده حتی که جناب او مشتهر بآیت الله فی العالمین گردید و در مقدمه آن اولاً
 بیان اصول دین و اصول فقه فرموده که در غایت متانت و زراعت است و بیان اشاراتی بطرف
 ادب شرعی فرموده و مسمی ساخته و در آن قواعد کلیه را برای استنباط احکام شرعی سوائے قواعد
 اصولیه و قواعد مختصر را در عبارات قوت فکر و وقت نظر جناب شیخ از آن کتاب ظاهر است از تفصیلاً
 و ستار ساله در احکام صلوة و شرح بعضی ابواب قواعد علامه حلی طاب ثراه و رساله در اصول و
 اجزاء و رساله در احکام اموات است از جمله فرزندان جناب شیخ عالم بی نظیر جناب شیخ موسی که اکبر
 اولاد بود و جناب شیخ علی و جناب شیخ حسن که سرسره از مجتهدین کاملین و علمای راسخین بودند و ملا
 شفیع با در روضه بهیبه گفته که مشهور است که تالی ایذقات جناب شیخ بعضی مردم عمرین کردند که بعد شمس
 کدام یک از فرزندان شما تقلید کنیم و در فرمود که موسی بن جعفر و نیز گفته که وفات شیخ قبل وفات
 آقا سید علی طباطبائی و محقق قمی بفاصله یک سال یا زیادہ چند ماه اتفاق افتاد و مولف تذکره اطفا
 آورده که وفاتش در سال وفات جناب آقا سید علی طباطبائی طاب ثراه که سنه احدی و ثلاثین بعد
 الالف و المائتین است و اتع شد شیخ محمد حسن بن الحاج معصوم القزوی لنجفی
 از علمای و شایخ ذوی الاحترام بود اهل عراق و عجم مقرر و معترف با علمیت و اذعان با کملیت
 دارند استخوانه و تکمیل از خدمت استاد کل آقا باقر و سحر العلوم آقا سید مهدی طاب ثراه
 نموده از تصانیف اوست کتاب ملخص فوائد حارریه موسوم به ملخص فوائد حسنیہ و منتخب فرائد
 حسنیہ و هم شرح کتاب مذکور از تصانیف اوست موسوم به تنقیح المقاصد الاصولیه فی شرح
 ملخص الفوائد الحارریه و تنقیح الفوائد الحارریه القدسیه که از تصانیف استادش آقا باقر بهبانی
 است و کتاب کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتدای ببحر العلوم و را اجازه خود که براسی شیخ نوشته
 بهر آنج و او صاف بلیغ ستوده بقدر حاجت و رانجامت افتاد فلما کان من فصل الله سبحانه
 علی العباد ان سهل لهم سبیل الرشاد و اوضح لهم مسالك السداد فجعل

لدينه واحكامه على مستحفظين لشرائعه واحكامه صار يتلقف الخلف
 عن السلف ما استحفظوا من علوم اهل العصمة والشرع حفظا
 لها عن الضياع وتحفظا في النقل عن صورة الانقطاع ومحافظه على الاستناد
 فيما طريقه الاحاد وتيمنا بالدخول في سلسلة المشايخ الجلة وسريعا
 بالانصال برسالة الشريعة والملة فلهذا سجدوا من فروع العلم ما
 عرفوا او عرفوا اليه من وجوه همة هو اصرفوا او كان ممن التذوق اليه
 هذه الفرض ويزاد التذوق في المفترض وجمع بين السعول والمنهوية
 وبره في الصروع والاصول فان بسعادتي العلم والعمل وسار من غير انقطاع
 الا وفي الاجزاء العالم العامل الفاضل والمحقق الموفق بكامل الاستعداد
 بسبب والامعي اللودعي المصيب الحاوي على التعمير الابين والسالكين في المسلك
 الاحسن الحاج محمد حسن بن المبرور الحاج معصوم القرويني صاحب
 الحائري مسكنا وفقه الله تعالى للوصول الى غاية المرام والمراد من امثاله والبلاد
 والعبادة قد استبحار من هن العبد الضعيف يحفظه به ذلك من حسن اخلاقه
 عظيم اشفاقه فحريت وذلك على مذاق واحزرت له زيد سجدة وسعد جدا ان يروي عن النبي
 التي عليها مدار الشيعة الابرار في جميع الاعضاء والامصار انهم موضع الحاجة الحاج ملا احمد
 محمد بن الزرق الكاشاني مسكنا عالمي عالي مقدر ومجتهد بناد اعتبار ومنع الامم في سبب احكامهم
 اقا محمد سبط استاد الكل وكتاب مرآة الاحوال بتقريب ذكر علماء سبب كاشان وذكر رايك على
 سياره وآن مجتمع نويشته واز انجمله است عالي جناب فضائل آداب زبدة المحققين اخوند ملا احمد
 خلف مجتهد فاضل كامل مرحوم ملا مهدي نراقي ملا شفيعا در روضه بهية ورويل شايخ خودنوشته وگفته
 كه فاضل عالم ومحقق ما هو بجز اخر الفائق على الاوائل والاواخر جامع معقول ومنقول صاحب
 وشكاه وسيع در علوم كثيره شيخ واستاد من حاج ملا احمد بن محمد مهدي النراقي در رياست و...

و نویسی مبرح خلق نه او در نعمت و افتخار بود تصنیفاتش در فقه و اصول و اخلاق بسیار اند و بهترین
 کتب او کتاب سنایح و در اصول است و کتاب تنزیل اشیه و در فقه و کتاب معراج السعاده و در علم اخلاق
 مولفست گوید و دیگر از تصانیف شریفه اوست کتاب نزهة المؤمن معرّفون بکلیت کول نراقی و کتاب مفتاح
 الاصول و کتاب شرح تجمیر الاصول و کتاب وسیله النجاة و کتاب خواند الايام و دیگر کتاب بود و در انجاة
 و فارسی و کتاب اساس الالحکام و کتاب سیدت الائمة فخر ملا شفیعا آورده که شنیده ام ملا احمد
 و مجلس مدرس استاذ اکمل آقا باقر بهمانی همراه و در خود میرفت و نزد جهات دیگر از علمای
 اعلام و در او امر از خدمت بحر العلوم آقا سید محمدی درس میگرفت از کلام ملا احمد و در کتب کثیر
 اند که بمرتبه عالیه اجتهاد رسیدند از جمله حجة الاسلام شیخ مرتضی بجنی انصاری طاب ثراه بود
 که ذکر شرفش خود بداند انشاء الله تعالی آقا که چپست بر محمد محمدی بن ابی ذر که از
 برادر ملا احمد سابق الذکر عالم بزرگ بوده ملا شفیعا بتقریب ذکر معاصرین خود گفته که از جمله شیخ است
 عالم عامل فاضل فقیه متحقق مدقق آقا کوچک بن محمد محمدی بن ابی ذر نراقی برادر است او هم عالم
 نراقی که فاضل کامل و مدقق صاحب است یاست از المومنین کاشان بعد وفات برادر خود

عالم ربانی میرزا ابوالقاسم نراقی بجانب آن علامه تحریر منتهی شده الفقیه الاویب السید
 محسن الاعرجی البغدادی النخعی اکاظمین از افاضل تحقیقین و اکابر مجتهدین
 و اصولیین و از ارشد تلامذ و بحر العلوم شیخ احمد حسینی بود نسب شرفش به سید عبدالعزیز
 بن حسین الاصفهانی الامام زین العابدین میرزا محمد معروف باعترقی است از سادات علمای
 کرام و فقهای عظام بود و فضل و کمال و تبحر و تقدس و زهد و عبادت و ورع و تقوی
 مرتبه تصوی داشت اولاً مجاورت حضرت و بعد از مدتی مجاورت مشهّد کاظمین علیهما السلام
 اختیار فرمود آقا احمد بهمانی در کتاب مرآة الاحوال جهان نمای تقریب علمای بلدة طیبه کاظمین
 آورده که در انجا بخدمت عالی جناب مقدس القاب سلالة الاطیاب عمدة المحققین و زبدة المجتهدین
 جناب سید محسن بغدادی رسیدم وی عالمی است شجره و فاضلیت روشن ضمیر و در کبر سن است

جناب سید المجتهدین سید محمد مهدی طباطبائی باسْتِفَادَةُ شُغُولِ شَدِيدٍ بِدَرَجَاتٍ عَالِيَةٍ رَسِيدَةٍ اسْتِ
 نْهَائِيَةٍ مَقْدِسٍ وَصَالِحٍ وَزِيَادَةٍ تَقِيٍّ سَتِ دَرْخِ مَشْرِئِ اسْتِفَادَةٍ تَكْرُودَةٍ اَمٍّ وَكَلَمَنَ اَزْجَمَلِيَةِ شَاخِ اَجَاوَزِهِ
 مَن سَنَتِ شَرْحِ مَبْسُوطٍ بِرِوَايَةِ الْاَصُولِ مَلَا عَبْدِ الدُّتُونِي وَكُتِبَ وَرَسَائِلُ دِكْرِ دَرْفَقَةِ وَاصُولِ
 اَزْ دِيَاوَكَا رَسْتِ صَا سَبِ رَوْضَةِ بِنِيهِ دِرَا حَوَالِ سَيِّدِ مَوْصُوتِ مَيْفَرَايِدِ وَهَذَا السَّيِّدُ كَانَ
 عَالِمًا بِالزُّهْدِ وَالنَّقِيٍّ لَمْ اَعْتَزْ عَلَيْهَا اِلَّا الشَّرْحَ كَمِيرٍ عَلَيَّ الْوَاثِقِيَّةَ فِي الْاَصُولِ وَهُوَ كِتَابٌ
 حَبِيْبٌ مَشْتَمَلٌ عَلَيَّ اَلْتَدْقِيْفِ وَالْتَحْقِيْقِ عَلَيَّ النِّفْصِيْلِ وَاسْلَفِ خَمْسِيْنَ الْفِي بَيْتِ تَخْمِيْنًا وَكُنْتُ مَشْتَعْلًا
 فِي رَفْقِهِ اَلَا تَسْمَعُ تَبِيْقًا لَهَا اَبَاةً لَوْلَا اللهُ مَضْحَكٌ اَنْهَى دِكْرًا مَسْتَقْبَلًا شَرْحَ مَقَابِلِ مَاتِيْنَ نَا مَشْرُوعِيٍّ بِسَفْحِ مَحْرُوقِيٍّ
 وَرَانَ كِتَابِ بَرْدِ اَقْوَالِ شَيْخِ لَوِيْدِ كَرَمَلِ مَسْلُكِ اَنْبِيَايِيْنَ بُوْدُوْهُ بِطَرِيقِ اَنْبِيَايِيْنَ وَتَحْقِيْقِ رَشْتَقِ
 بِرِوَايَةِ دِكْرِ كِتَابِ مَعْمُوْلٍ فِي عِلْمِ الْاَصُوْلِ كِتَابِيْسْتِ مَبْسُوطِ دِرَانِ اَسْتِيْعَابِ سَاْئِلِ اَصُوْلِيَّةِ
 فَرَمُوْدَةٍ وَفَاتَشِ دَرْ سَبْتِ وَكِيْمِ مَاهِ رَمَضَانَ سَالِ وَفَاتِ اَقَا سَيِّدِ عَلِيِّ طَبَاطْبَايِيٍّ وَشَيْخِ مَعْضَرِ
 سَجْفِيِّ طَابِ تَرَاهِمَا كَرَسَنَدِ اَصْرِيٍّ وَثَلْثِيْنَ بَعْدَ الْمَأْتِيْنِ وَالْاَلْفِ بُوْدُوْا قَعِ شَدِيدِ مَرْقُوْمِ طَبَاطْبَايِيٍّ
 مَتَّصِلِ رَوْضَةِ كَاظِمِيْنَ شَهْرَتِ تَمَامِ دَارِ دَوْلَتِ مَذَهَبِ اَشْ حَمِيْمِ كَثِيْرٍ اَنْدَا اَلْاَجْمَلَةِ مَوْلَا نَا صَدْرِ الدِّيْنِ
 مَاتِيٍّ سَجْفِيٍّ سَتِ دَامَا وَشَيْخِ مَعْضَرِ طَابِ شَهْرَةِ السَّيِّدِ حَيْدَرِ بْنِ السَّيِّدِ حَسِيْنِ بْنِ السَّيِّدِ
 عَلِيٍّ الْمَوْسُوِيٍّ الْيَزِيْدِيٍّ صَا مَشْهُرِ الْعَقِيَّانِ اَوْرَابِ فَاضِلِ وَعَالِمِ مَشْهُرِيٍّ وَادِيْبِ
 سَتُوْدَةٍ وَقَدْرِتِ اَزْ اَجَاوَزِهِ بَحْرِ الْعِلْمِ كَرَامِيٍّ سَيِّدِ مَوْصُوتِ نُوْشْتَةِ نَقْلِ فَرَمُوْدَةٍ اَنْمُوْدِيٍّ اَزْ اَنْ
 بِقَدْرِ ضَرْوَرَتِ اِيْرَادِيٍّ نَمَا يَدُ وَاكَانَ هَمَّنَ جَدِّي فِي الطَّلَبِ وَبَدَلِ الْجَهْدِ فِي تَحْصِيْلِ هَذَا الْمَطْلَبِ
 وَفَا نَرِ سَعَادَتِي الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَحَا رَعْنَهَا الْخَطِّ الْاَوْفَرَ الْاَكْمَلَ وَوَلَدَنَا السَّيِّدَ الْحَسِيْبَ النَّسِيْبَ الْعَالِمَ
 الْفَا ضِلَّ الْاَدِيْبِ الْاَرِيْبِ ذُو الْفَطْنَةِ الْوَقَادَةِ وَالْقَرِيْبَةِ النَّقَادَةِ وَالْاَخْلَاقِ الْكَرِيْمَةِ وَالْفَطْرَةِ
 الْمُسْتَقِيْمَةِ الْاَعْرَ اَبْرَا الْاَفْحَرِ السَّيِّدِ حَيْدَرِ بْنِ السَّيِّدِ حَسِيْنِ بْنِ السَّيِّدِ عَلِيٍّ الْمَوْسُوِيٍّ اَصْلًا
 وَنَسْبًا وَالْيَزِيْدِيٍّ مَسْكَنًا وَمَنْتَسِبًا وَفَقَّهُ اَللهِ تَعَالَى الْمَعْرُوْبِ اِلَى اَعْلَى مَحَارِجِ الْعُلَمَاءِ وَالْاَبْرِيَّانِ
 اِلَى اَقْصَى مَدَارِجِ الْفُقَهَاءِ الْعَرَفَاءِ وَقَدْ اسْتَجَا زَنِيَّ بَعْدَانَ فَرَاوْ عَلَيَّ شَطْرًا وَاَفِيَا مِنْ اَلْحَدِيثِ وَ

الفقه وغيرهما قراة بحث و تحقيق و تعمق و تدقيق و تدكشفت
 عن نظر دقيق و فہر صائب و اشيق و انه بلا جأ مزا حری
 حقیق فاجزت اسعد الله جدہ و صناعت كدہ و جدہ ان
 يروى عنى الكتب الاربعة التى عليها المدار فى جميع الاقطار الهندى
 بقدر الحاجة باب غفران باب مولانا السيد ولد ارغون بن محمد معين
 بن عبد الماوى الرضوى النقوى الهندى النصير اباوى نسب شريف و شجبه
 پير شريف انجذاب به بست و سه واسطه بحضرت امام على التقى عليه السلام مى رسد ولادت باسما
 تقريبا در سه ست و ستين لعل لاف و المائة واقع شد مولدش قصبه جالس و نصير اباد انجذاب
 اول كسى است كه در عهد خود بسلا و هندوستان با جتهاد رسیده و بنامى جمعه و جماعت و اشاعت
 و ترويج ملك از ذات منظر البركاش بطور آمره با جمله احوال فضل و كمال و اجتماع فنون و در
 و اجلال آن علامه عديم المثال برتر از انست كه در احاطه تحرير و تقرير و آيد چون كتاب
 آئينه حق نامشتمل بر تفصيل احوال آن سلاله آل است بنا بران را تم حروف به بسط مقال متوجه
 نگردید و هم نظر بانكه فضائل و محامد ذاتى آن عاليمقدار كاشمى فى رابعه النهار اشكار است
 و آنچه درين و بار قدرے از دين و اسلام است همه از بركات آنجناب غفران باب است و سوادى
 احوال علوم عقليه را از فضلاى هندوستان مثل سيد غلام حسين و كنى الآبادى و ملا حيدر على
 پسر ملا محمد السنديوى و مولوى باب الدشاكور و رشيد ملا محمد المرحوم تحصيل فرمود و بعد فراغ
 از عقليات بعثات عاليات رفته در كره بلاى مسله از استاذ الكل آقا باقر بهباني و آقا سيد على
 طها طبائى و آقا سيد مهدى شهرستانى طباب شراهم و در نجف اشرف از حضرت بحر العلوم آقا سيد
 مهدى طباطبائى به و جردى تحصيل علوم فقه و حديث و اصول فرمود و در سنه اربع و تسعين بعد
 المائة و الالف بزيارت مشهور ضيويه على ساكنها آلان التيمه رفته در انجا بخدمت شهيد رابع سيد
 مهدى بن سيد بهر ايت المذاهب هباني رسیده و كتاب افادات فرمود و از ايشان اجازه يا فتره

مولانا سيد ولد ارغون بن محمد معين